خبر

کارگزاران حج، فردا با رهبر معظم انقلاب دیدار می‌کنند

در آستانه برگزاری کنگره عظیم حج ابراهیمی، مسئولان بعثه رهبر معظم انقلاب و سازمان حج و زیارت و جمعی از کارگزاران حج و زائران بیت‌الله‌الحرام کشورمان، صبح یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ با حضور در حسینیه امام خمینی(ره) با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دیدار خواهند کرد. هرسال در مناسبت‌های روز کارگر و روز معلم، جمعی از کارگران و معلمان سراسر کشور با رهبر معظم انقلاب دیدار می‌کنند اما امسال به دلیل تقارن این روزها با آغاز اعزام حجاج به سرزمین وحی، ابتدا کارگزاران حج مهمان حسینیه امام خمینی(ره) خواهند بود و دیدارهای کارگران و معلمان تا پایان اردیبهشت برگزار می‌شود.

دلجویی از مجروحان حادثه بندر شهید رجایی

حجت‌الاسلام معزی به نمایندگی از رهبر معظم انقلاب اسلامی برای دلجویی از مجروحان، حادثه‌دیدگان و ارزیابی تداوم روند عملیات امداد حادثه دردناک آتش‌سوزی در بندر شهید رجایی بندرعباس به استان هرمزگان سفر کرد. نماینده ویژه رهبر انقلاب در این سفر با حضور در منزل برخی از جان‌باختگان این حادثه، پیام تسلیت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را به آنها ابلاغ کرد. عیادت از مصدومان بستری در مراکز درمانی هرمزگان، دیدار با خانواده جان‌باختگان و بازدید از محل حادثه و ارزیابی وضعیت امداد از جمله برنامه‌های سفر دو روزه نماینده ویژه رهبر معظم انقلاب اسلامی به بندرعباس است.

یادداشت

در یادداشت اختصاصی دکتر علی اکبر ولایتی برای روزنامه «جام جم» تاکید شد

حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه ابدی است

آبراه بسیار مهم خلیج‌فارس از ابتدای تاریخ مکتوب هرودوت و گزنوفون و پلوتارک تحت نام سیونس پرسیکوس و کتیبه مکتوب حجاری شده نوشته داریوش کبیر در دوره هخامنشیان، که سال ۱۸۵۶ میلادی توسط فردیناند دلس پس کشف گردید، همواره جزئی از کشور ایران بوده و به همین نام توسط ایرانی‌ها و دیگر کشورها در دور و نزدیک شناخته می‌شده است. داریوش در این کتیبه درباره کانال سوئز نوشته: «منم داریوش، شاه شاهان، شاه کشورهایی که تمام نژادها مسکون است، شاه این سرزمین بزرگ تا آن دورها، پسر ویشتاسب هخامنشی، من پارسی هستم و به همراهی پارسیان مصر را گرفتم، امر کردم این کانال را بکنند، این ترعه کنده شد، چنان که فرمان دادم و کشتی‌ها از مصر به وسیله این کانال به سوی ایران روانه شدند، چنان که اراده من بود.» لذا حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه، تنب بزرگ و تنب کوچک ریشه در دوره‌های پادشاهی هخامنشی، اشکانی و ساسانی دارد. در این دوران، نظم و امنیت ایرانی بر سراسر پهنه آبی خلیج پارس و جزایر آن حاکم بوده است. جزایر سه‌گانه در سال ۱۹۴۸ میلادی به طور کامل به اشغال امپراتوری بریتانیا به عنوان قیم رسمی امارات متصالحه درآمد، اما تا سال ۱۹۷۱ هیچ‌یک از دولت‌های وقت ایران این اشغال را نپذیرفتند و ابوموسی به همراه تنب بزرگ و تنب کوچک در تقسیمات کشوری ایران قرار داشت و اولین بار دولت انگلیس که همواره چشم طمع به این بخش حیاتی از ایران داشته، پایگاهی تجاری تحت نام کمپانی هند شرقی در بمبئی ایجاد کرد و از اوایل دولت صفویه با امکانات دریایی به سواحل کشورمان در دریای عمان و خلیج‌فارس نزدیک و مشغول کار تجاری شد تا بتواند به این منطقه مهم نزدیک شده و بر آن مسلط شود.

لذا به برخی برهه‌های تاریخی مهم در این مسأله مختصرا اشاره می‌کنم

۱-در سال ۱۴۹۳ میلادی پرتغالی‌ها دماغه امیدنیک را تصرف کردند و از آنجا به هرمز و بندر گمبرون (بندرعباس کنونی) رفتند و آنها را اشغال کردند. وقتی در سال ۹۹۶ قمری شاه عباس به پادشاهی رسید، با شکست ازبک‌ها و اخراج آنها از خراسان و شکست عثمانی و اخراج آنها از تبریز و آذربایجان امور داخلی را سامان داد و سپس لشکری بزرگ به فرماندهی امام قلی‌خان برای بازپس‌گیری جزیره هرمز و بندرعباس تشکیل داد و با دیپلماسی بسیار قوی نایب‌السلطنه انگلیس در کمپانی هند شرقی را متحد خود ساخت و آنها با نیروی دریایی و ایران با نیروی زمینی پرتغالی‌ها را شکست دادند و این بنادر را آزاد کردند. و این در حالی بود که بقیه بنادر و مناطقی که پرتغالی‌ها اشغال کرده بودند تا نیمه دوم قرن بیستم همچنان در اشغال آنها بوده است، مانند کشورهای گینه بیسائو، دماغه سبز، آنگولا، موزامبیک، گوا در هند، تیمور شرقی و ماکائو چین آزاد نشدند و ایران تنها کشوری بود که آنها را بیرون راند و خلیج‌فارس را بازپس گرفت.

۲-از زمان کریمخان زند که شخصی شجاع و قاطع بود مرز ایران از حاشیه جنوبی خلیج‌فارس (بحرین و کویت، ...) و مکران (شمال سواحل خلیج‌فارس) تا تفلیس و دربند گسترده بود که تا زمان ناصرالدین شاه این مرزها باقی بود.

۳- در زمان قاجاریه به واسطه ناتوانی سلسله قاجار در اداره کشور مخصوصا در زمان ناصرالدین شاه انگلیسی‌ها جزایر بوموسی را اشغال کردند و پرچم خود را بالا بردند.

در اوج اقتدار استعماری کمپانی هند شرقی در هند، در زمان میرزا علی‌اصغرخان اتابک آخرین صدراعظم ناصرالدین‌شاه مابین سال‌های ۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ هجری قمری که ناصرالدین‌شاه ترور شد، انگلیسی‌ها برای تثبیت موقعیت نظامی و ژئوپلیتیک خود در این جزایر پرچم خود را بالا بردند و بعد از آن اتابک دستور داد که پرچم انگلیس را پایین آورده و مجددا پرچم ایران را به‌جای خود بازگردانند، ولی به‌واسطه بی‌سروسامانی اواخر حکومت قاجار مجددا انگلیسی‌ها پرچم ایران را پایین آورده و پرچم انگلیس را بالا بردند.

متن کامل را در «جام جم آنلاین» بخوانید

متن کامل

«جام جم» از رویکرد غیرسازنده آمریکا در مسیر گفت‌وگوهای غیرمستقیم با ایران گزارش می‌دهد

مذاکره در سایه سوءظن

عبدالرضا هادی‌زاده نائینی
دبیرگروه سیاسی

درحالی‌که قرار بود امروز شنبه ۱۳ اردیبهشت، رم میزبان چهارمین دور گفت‌وگوهای غیرمستقیم جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا باشد، این مذاکرات با تصمیم مشترک طرفین و به پیشنهاد وزیر امور خارجه عمان به تعویق افتاد. تغییری که تنها یک تصمیم فنی نیست، بلکه نشانه‌ای از وضعیت حساس در معادلات دیپلماتیک میان تهران و واشنگتن است.

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، اسماعیل بقایی، در گفت‌وگو با خبرنگاران اعلام کرد: «تعویق گفت‌وگوها بنا به پیشنهاد وزیر امور خارجه عمان بوده و در مورد تاریخ احتمالی بعدی، متعاقبا اطلاع‌رسانی خواهد شد.» همزمان با لغو این نشست، دیدار برنامه‌ریزی‌شده میان مدیران سیاسی سه کشور اروپایی با نمایندگان ایران نیز لغو شد. تغییری که گواه آن است که توقف در مذاکرات با آمریکا، زنجیره‌ای از تأخیر و بی‌اعتمادی را در ارتباط با اروپا نیز رقم زده است، هرچند بر اساس گفته مقامات ایرانی و آمریکایی در روزهای آتی تاریخ توافقی برای دور چهارم گفت‌وگوهای غیرمستقیم دو کشور اعلام خواهد شد. در همین راستا، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان نیز در صفحه شخصی خود در فضای مجازی نوشت: «ما به همراه طرف‌های عمانی و آمریکایی، تصمیم گرفتیم دور چهارم مذاکرات را به دلایل تدارکاتی و فنی به تعویق بیندازیم ... . ما بیش از هر زمان دیگری مصمم به دستیابی به یک توافق عادلانه و متوازن هستیم: توافقی که پایان تحریم‌ها را تضمین و درخصوص این‌که برنامه هسته‌ای ایران برای همیشه صلح‌آمیز خواهد ماند اعتمادسازی کند، ضمن آن‌که تضمین شود حقوق ایران به‌طور کامل رعایت خواهد شد.» اما آن‌سوی این توقف «فنی»، ایالات‌متحده گام‌هایی برداشته که بیش از آن‌که نشانی از «اراده سیاسی» برای حل‌وفصل پرونده هسته‌ای باشد، نشان‌دهنده استمرار سیاست فشار، تهدید و تحریم است؛ سیاستی که بارها شکست خورده اما شواهد نشان می‌دهد کاخ‌سفید همچنان به این رویکرد غیرسازنده، اعتیاد دارد.

تحریم همزمان با مذاکره

روز پنجشنبه، دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در مراسم روز ملی دعا در کاخ‌سفید اعلام کرد که کشورش دور جدیدی از تحریم‌ها علیه بخش نفت و پتروشیمی ایران وضع کرده است. او در سخنانی تند هشدار داد: «هرکسی از ایران نفت بخرد، اجازه تجارت با آمریکا را نخواهد داشت.» ترامپ سپس در تروث‌سوشال نوشت: «تمام خریدهای نفت یا محصولات پتروشیمی ایران باید همین حالا متوقف شود. هر کشور یا شخصی که هر مقدار نفت یا محصولات پتروشیمی از ایران خریداری کند، بلافاصله مشمول تحریم‌های ثانویه آمریکا خواهد شد.»

از دید ناظران، چنین لحن و سیاستی آن‌هم در آستانه دور تازه مذاکرات، عملا نشان می‌دهد که واشنگتن نه‌تنها به تعهدات احتمالی پایبند نیست، بلکه سیاست فشار حداکثری هنوز به‌عنوان ابزار اصلی در برخورد با ایران به کار گرفته می‌شود.

تهدید نظامی در کنار فشار اقتصادی

در کنار تحریم‌های اقتصادی، لحن تهدیدآمیز مقام‌های آمریکایی نیز بار دیگر افزایش یافته است. پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا، با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس، صراحتا ایران را به اقدامات نظامی تهدید کرد. او نوشت: «پیام به ایران: ما حمایت مرگبار شما را از حوثی‌ها می‌بینیم. ما دقیقا می‌دانیم که شما چه می‌کنید.... ارتش آمریکا توانایی‌های خود را دارد و شما عواقب آن را در زمان و مکان انتخابی ما پرداخت خواهید کرد.» این پیام همزمان با بازنشر توییتی از دونالد ترامپ صورت‌گرفت که در آن ایران را مسئول حملات احتمالی حوثی‌ها معرفی کرده بود. بازگشت این گفتمان نظامی به سطوح عالی دولت آمریکا در آستانه مذاکرات، نشانه‌ای آشکار از نبود انسجام در سیاست رسمی این کشور است.

ادعای بی‌اساس آمریکا

مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، که سیاست غنی‌سازی صفر را برای ایران پیگیری می‌کند نیز در راستای پیگیری رویای نابودسازی صنعت هسته‌ای کشورمان مدعی شد: «ایران تنها کشوری است که بدون داشتن سلاح هسته‌ای، غنی‌سازی اورانیوم انجام می‌دهد.» ادعایی که با ساده‌ترین بررسی، رد می‌شود.

این ادعای ساده‌انگارانه در حالی مطرح شده است که کشورهای متعددی همچون ژاپن، کانادا، آرژانتین و بلژیک بدون داشتن سلاح هسته‌ای، سال‌هاست به‌طور رسمی و تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، غنی‌سازی انجام می‌دهند.

او همچنین در یک زیاده‌خواهی آشکار گفته است: «ایران باید درب همه تاسیساتش، ازجمله سایت‌های نظامی خود را، به روی بازرسان، ازجمله بازرس‌های آمریکایی باز کند، چون ممکن است در آنجا سلاح هسته‌ای ساخته شود.» این اظهار نظر درحالی است که تنها آژانس حق بازرسی از تاسیسات هسته‌ای کشورها را در چارچوب قواعد بین‌المللی دارد و هیچ کشوری اجازه بازرسی نیروهای دشمن از تاسیسات نظامی خود را نمی‌دهد.

آمریکا قابل اعتماد نیست

در واکنش به این مجموعه اقدامات، وزارت امور خارجه ایران با انتشار بیانیه‌ای شدیداللحن، ضمن تأکید بر تعهد جمهوری اسلامی به مسیر دیپلماسی، اعلام کرد: «ادامه تحریم‌های غیرقانونی و فشار بر شرکای تجاری و اقتصادی ایران را به شدت محکوم کرده و آن را نشانه دیگری از محق‌بودن ملت ایران برای بدگمانی و سوءظن عمیق نسبت به جدیت آمریکا در مسیر دیپلماسی می‌دانیم.»

در این بیانیه آمده است: «جمهوری اسلامی ایران ضمن تأکید بر تعهد به مسیر دیپلماسی و اعلام آمادگی برای ادامه مذاکرات، به‌هیچ‌عنوان رویکردهای مبتنی بر تهدید و فشار را ـ که همگی برخلاف اصول منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل بوده و با هدف ضربه‌زدن به منافع ملی ایران و تضییع حقوق انسانی هموطنان ایرانی طراحی شده است ـ برنمی‌تابد.»

بحران تصمیم‌سازی در دولت آمریکا

در کنار مواضع متناقض کاخ‌سفید، ساختار تصمیم‌گیری در واشنگتن نیز دستخوش تحولات است. دونالد ترامپ اعلام کرد که مشاور امنیت ملی فعلی، والتز، به‌عنوان سفیر جدید آمریکا در سازمان ملل منصوب خواهد شد. همزمان، مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، موقتا سمت مشاور امنیت ملی را نیز بر عهده گرفت. این جابه‌جایی ناگهانی در یکی از حساس‌ترین جایگاه‌های امنیتی آمریکا، در کنار نپذیرفتن گزینه پیشنهادی جایگزین از سوی ویتکاف، پرسش‌هایی را درباره انسجام و ثبات در تیم امنیت ملی کاخ سفید ایجاد کرده است. نشانه‌ای دیگر از آن‌که ساختار تصمیم‌سازی آمریکا در مواجهه با ایران دچار چندپارگی و اختلافات درونی جدی است.

آمریکای مردد، ایرانِ مصمم

در شرایطی که ایران بار دیگر بر موضع اصولی، صلح‌طلبانه و در چارچوب حقوق بین‌الملل خود تأکید و اعلام کرده حاضر به ادامه مذاکرات برای رسیدن به توافقی عادلانه است، رفتارهای واشنگتن نشان می‌دهد هنوز «اراده سیاسی» برای انتخاب راه‌حل دیپلماتیک وجود ندارد.

تهران مسیر گفت‌وگو را باز نگه داشته، اما نشانه‌ها حاکی از آن است که کاخ‌سفید، چه در سطح تصمیم‌گیری و چه در میدان عمل، دچار آشفتگی، تناقض و دوگانگی است؛ مسأله‌ای که نه‌فقط توافق هسته‌ای، بلکه اعتبار بین‌المللی ایالات‌متحده را نیز زیر سؤال برده است.

بااین‌اوصاف، تعویق مذاکرات رم، صرفا یک تأخیر فنی نیست؛ بلکه نماد روشنی از بحران اعتماد و نبود صداقت در طرف آمریکایی است. در چنین وضعیتی، توپ در زمین واشنگتن است؛ اگر واقعا خواهان دیپلماسی است، زمان آن رسیده که دست از تهدید و تحریم بردارد و به قواعد گفت‌وگو احترام بگذارد.

یادداشت

دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی | استاد روابط بین‌الملل

آغاز بازی مار و پله از سوی آمریکا

به نظر می‌رسد یکی از دلایل تأخیر یا تعویق نشست چهارم مذاکرات میان ایران و آمریکا را می‌توان با طرح موضوعات فنی مرتبط دانست. همان‌طور که قبلا اعلام شده بود از دور سوم تیم مذاکره‌کننده در مورد چند مساله وارد مذاکرات فنی شده بودند؛ موضوعاتی که ظاهرا توافقات کلی در خصوص آنها حاصل شده بود. از جمله مسائل مهم این مذاکرات می‌توان به غنی‌سازی، ذخایر اورانیوم غنی‌شده و راستی آزمایی اشاره کرد. اینها خواسته‌های آمریکاست که عمدتا تحت عنوان شفافیت و نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران مطرح شده بودند، همچنین ایران به‌عنوان یک مطالبه به‌حق، بر حفظ صنعت هسته‌ای بومی و غنی‌سازی داخلی تأکید دارد و در عین حال انتظار لغو کامل تحریم‌ها را نیز دارد. در دور سوم مذاکرات، در خصوص موضوعات مذکور، توافقاتی میان تیم‌های مذاکره‌کننده حاصل شد و مقرر گردید طرفین با مراجعه به پایتخت‌های خود برای مشورت و تأیید مدیران عالی‌رتبه اقدام کنند. البته تا پیش از اعلام رسمی خبر تعویق نشست چهارم، برخی گزارش‌ها از احتمال برگزاری مذاکرات در دو هفته پس از دور سوم حکایت داشت. با این حال، اعلام رسمی تعویق مذاکرات صورت گرفت و خبرهایی نیز مبنی بر احتمال برگزاری نشست در روز چهارشنبه منتشر شد. در رابطه با علت تأخیر دور چهارم مذاکرات، وزیر خارجه عمان به‌صورت رسمی این موضوع را به «دلایل لجستیکی» نسبت داد. همچنین، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که تعویق نشست با موافقت ایران و آمریکا و به دلایل اعلام‌شده صورت گرفته است. با این حال، به نظر می‌رسد علت این وقفه، فراتر از مسائل لجستیکی بوده و عمیق‌تر است. در این ارتباط دو سناریو قابل تصور است. همان‌طور که اشاره شد، در دور سوم مذاکرات، در خصوص مسائل اساسی همچون غنی‌سازی، نظارت، راستی‌آزمایی و ذخایر اورانیوم توافقاتی حاصل شده بود، اما طرفین برای تأیید این توافقات از مراجع عالی‌رتبه خود، به پایتخت‌ها مراجعه کردند. در تیم ایرانی، اجماعی کلی وجود دارد مبنی بر حفظ چرخه سوخت هسته‌ای، غنی‌سازی داخلی و ذخایر اورانیوم در چارچوب نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی. این نظارت‌ها ممکن است طبق پادمان‌های معمولی، پروتکل الحاقی یا یک مکانیزم نظارتی گسترده‌تر اعمال شوند تا شفافیت برنامه هسته‌ای ایران را تضمین کنند. در سوی دیگر، طرف آمریکایی با دو رویکرد متفاوت در دولت خود مواجه است. در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد، یک گروه تندرو و افراطی با رهبری افرادی مانند مایکل والتز و برخی اعضای کنگره، به‌طور کامل مخالف برنامه هسته‌ای ایران بوده و خواستار توقف کلی آن هستند. در مقابل، گروهی معتدل‌تر هستند از جمله ویتکاف و برخی دیگر که توجه بیشتری به حداقل‌های ایران و حفظ خطوط قرمز جمهوری اسلامی دارند. این اختلاف دیدگاه‌ها ظاهرا مانع دستیابی به یک جمع‌بندی نهایی در واشنگتن شده است. یکی از سناریوهای محتمل این است که تیم آمریکایی به دلیل نیاز به زمان بیشتر برای رسیدن به اجماع داخلی، درخواست تعویق مذاکرات کرده است. سناریوی دیگری که از اخبار منتشرشده نیز قابل برداشت است، نشان می‌دهد گروه‌های تندرو خواسته‌اند توافقات پیشین نادیده گرفته شده و دستورکار جدیدی را مطرح کنند. به نظر می‌رسد آمریکایی‌ها با اتخاذ رویکردی پلکانی و آغاز بازی مار و پله تلاش می‌کنند مذاکرات را به حوزه‌های جدید وارد کنند. این موضوع می‌تواند در تحلیل علت واقعی تعویق مذاکرات نقش داشته باشد. به این معنی که آمریکا از آن توافق اولیه عدول کرده و سعی کرده اولا در موضوع هسته‌ای توافق اولیه مبتنی بر به رسمیت شناختن حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و ادامه غنی‌سازی در داخل ایران را برهم زند، همان‌طور که «روبیو» نیز مجددا تأکید کرد، ایران غنی‌سازی نکند و اورانیوم غنی شده را وارد کند در واقع مدلی شبیه مدل اماراتی را پیشنهاد دادند. به عبارت دیگر، بحث غنی‌سازی صفر را مطرح کردند که از خطوط قرمز جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین به نظر می‌رسد علت اصلی مشکل، تغییر دستورکار مذاکرات توسط آمریکایی‌ها بوده است؛ به این معنا که از مسیر توافقات اولیه عدول کرده و مطالبات جدیدی مطرح کرده‌اند. در رأس این مطالبات، مخالفت با غنی‌سازی در داخل ایران قرار دارد.

یادداشت

دکتر فاطمه محمدبیگی | رئیس فراکسیون زنان مجلس

صفر تا ۱۰۰ یک لایحه

بعد از حدود هفت‌هشت ماه کار کارشناسی در مجلس دوازدهم و همچنین طی یک مسیر بیش از ۱۳ ساله در طول مجالس و دولت‌های گذشته، لایحه تأمین کرامت و امنیت بانوان که بار اول به‌نام لایحه «منع خشونت علیه زنان» ذکر شده بود، در مجلس در کمیسیون اجتماعی دوره دوازدهم مورد رسیدگی قرار گرفت و کلیات این لایحه در کمیسیون رأی آورد؛ کلیات این لایحه مجلس یازدهم در صحن علنی تصویب شده بود. بعد از آغاز مجلس دوازدهم رئیس جمهور محترم، آقای دکتر پزشکیان طی نامه‌ای دو لایه از این لوایح دولت در مجلس یازدهم را برای رسیدگی در مجلس دوازدهم معرفی کرد که یکی از آن دو همان لایحه مزبور بود که به‌همین دلیل هم بررسی آن در مجلس فعلی مجددا ادامه یافت. در همین ارتباط فراکسیون زنان و خانواده پیشنهاد تشکیل کمیسیون ویژه را باحضور نمایندگان زن کشور در مجلس در عرصه تقنینی مرتبط با این موضوع مطرح کرد تا با توجه به مشارکت فعال بانوان نماینده بتوان قانونی متناسب با دیدگاه خود زنان را به جامعه تحویل داد اما در پی ارجاع مجدد این لایحه به کمیسیون اجتماعی از سوی هیأت رئیسه، طی نزدیک به ۴۰ جلسه در کمیسیون اجتماعی با محوریت کمیته زنان و خانواده و مسئولیت خانم لاجوردی رسیدگی به آن انجام شد و حاصل آن ۳۰ ماده‌ای بود که در هشتم اردیبهشت‌ماه در کمیسیون اجتماعی کلیات آن رأی آورد. طی بررسی این لایحه ما در فراکسیون دو جلسه با معاونت زنان و خانواده ریاست‌جمهوری داشتیم که در هر دو جلسه تاکید دو طرف بر تشکیل کارگروه مشترک حقوقی بین مجلس و دولت در حوزه زنان و خانواده بود تا بتوانیم موارد مغفول یا موارد مورد نیاز اصلاحی یا مواردی را که ممکن است باعث اختلاف شوند، مورد بررسی قرار بدهیم و به نقاط مشترک برسیم. البته در تمامی جلسات کمیسیون اجتماعی هم نماینده دولت و وزارت دادگستری و هم نماینده قوه قضاییه حضور داشتند و در واقع برخی از مواد به‌دلیل مشابهت‌ها و وجود قانون متناظرشان در مصوبات قبلی یا تکراری‌بودن یا مغایرت با اسناد بالادستی حذف شدند و یک‌سری هم براساس ملاحظات امنیتی و ملاحظات اجتماعی مورد تاکید قرار گرفتند. در واقع قوانین جمهوری اسلامی ایران باید با قوانین بالادستی اسناد و سیاست‌های کلی جمعیت مطابق باشد لذا برخی مورد تأیید قرار نگرفتند. همچنین از حیث تسهیل اجرای قانون سعی شده بود تعداد بندهای این لایحه کم‌حجم باشد. در ادامه انتظار داشتیم در پی تصویب و رأی‌آوردن کلیات، همین روند ادامه پیدا کند و در قالب کارگروه مشترک فراکسیون زنان و معاونت امور زنان و خانواده در کنار اعضای محترم کمیسیون اجتماعی، این موضوع را مجددا مورد بررسی قرار دهیم که متأسفانه شاهد استرداد ناگهانی این لایحه توسط دولت شدیم.

متن کامل را در «جام جم آنلاین» بخوانید

متن کامل